



صهیون‌گریزی؛

بازجستی در کتاب ترک صهیون؛ مهاجرت یهودیان از فلسطین و اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم^۱

اعظم فولادی پناه^۲

مقدمه

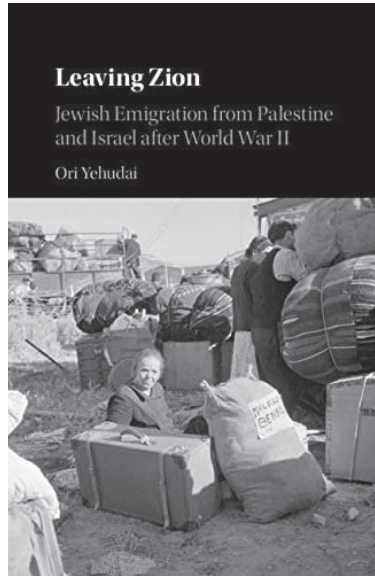
یکی از موضوعات مهم در حوزه صهیونیسم پژوهی، مذاقه در خصوص چگونگی تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی است. تأسیس این رژیم که با حمایت‌های پیدا و پنهان کشورهای غربی و با ترغیب یهودیان سراسر جهان به مهاجرت به فلسطین انجام گرفت، دوران پرتلاطمی را در منطقه خاورمیانه پدید آورد. در این دوران آژانس یهود بیشترین کوشش خود را مصروف آن می‌ساخت تا مهاجرت یهودیان به فلسطین را تسهیل کرده و با این کار زمینه‌های تسلط بیش از پیش یهودیان در فلسطین را پدید آورد. این اقدام اگرچه در ابتدا باعث تقویت جامعه یهودی ساکن فلسطین شد اما به تدریج و به خصوص پس از جنگ جهانی دوم، رژیم صهیونیستی را با پدیده جدیدی یعنی - مهاجرت معکوس

1. *Leaving Zion; Jewish Emigration from Palestine and Israel after World War II*

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران.

یهودیان از اسرائیل به اروپا، امریکا و...- مواجه ساخت که پس از اندک زمان به پاشنه آشیل رژیم صهیونیستی بدل شد.

تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه مهاجرت یهودیان به فلسطین نگاشته شده، اما نگاه به مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل به اروپا، امریکا و... رویکردی جدید می‌باشد که کمتر بدان پرداخته شده است. البته ذکر این نکته ضروری است که برخی از نویسندگان یهودی آثاری در این باب به رشته تحریر در آورده‌اند و در این آثار کوشیده‌اند به صورت غیر مستقیم و گاه مستقیم سیاست‌های رژیم صهیونیستی در خصوص مهاجرت معکوس



یهودیان به سایر نقاط جهان را مورد نقد قرار دهند.

یکی از یهودیانی که در خصوص مهاجرت معکوس یهودیان، کتابی را به رشته تحریر در آورده، اوری یهودایی،^۱ استاد دانشگاه ایالتی اوهایو^۲ در ایالات متحده امریکاست. ترک صهیون؛ مهاجرت یهودیان از فلسطین و اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم نام کتابی است که یهودایی در سال ۲۰۲۰م در ۲۸۰ صفحه توسط انتشارات دانشگاه کمبریج^۳ منتشر ساخته است. البته شایان ذکر است که این کتاب حاصل پژوهش‌های دکتری و پسادکتری اوری یهودایی می‌باشد که در مراکز علمی - تحقیقاتی امریکا و کانادا به انجام رسیده است.^۴

معرفی نویسنده

اوری یهودایی متولد ۱۹۷۳ میلادی در کیبوتص شامیر،^۵ در شمال اسرائیل است. لیسانس خود را از دانشگاه تل آویو و مدرک دکترای خود را در رشته تاریخ جدید یهود،^۶ از

1. Ori Yehudai

2. The Ohio State University

3. Cambridge University Press

4. Yehudai, Ori, *Leaving Zion; Jewish Emigration from Palestine and Israel after World War II*, Cambridge University Press, 2021, Acknowledgments, pp.x-xi.

5. Kibutz Shamir

6. Modern Jewish History



دانشگاه شیکاگو دریافت کرد و در حال حاضر صاحب کرسی سول و سونیا شاتن استاین^۱ در حوزه مطالعات اسرائیل و همچنین استادیار گروه تاریخ در دانشگاه ایالتی اوهایو در ایالات متحده امریکا است. یهودایی پیش از این سمت‌هایی را در دانشگاه‌های نیویورک، مک‌گیل، تورنتو و مرکز تاریخ یهود در نیویورک داشت و در پژوهش‌های خود به طور اختصاصی به تاریخ معاصر یهود با تأکید ویژه بر روی صهیونیسم و دولت اسرائیل، مهاجرت و دیاسپورا (آوارگی)، روابط یهودیان و غیر یهودیان پس از هولوکاست و نیز تاریخ مهاجرت غیر یهودیان به اسرائیل تمرکز داشته است.



معرفی کتاب

کتاب ترک صهیون روایت تاریخی است که به مسئله مهاجرت معکوس یهودیان به خارج اسرائیل و فلسطین، بین سال‌های ۱۹۴۵م تا اواخر دهه ۱۹۵۰م اشاره دارد. اوری یهودایی در مقدمه کتاب خود به این موضوع اشاره دارد که در کتاب مذکور کوشیده با بهره‌گیری از منابع جدیدی که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و همچنین با استفاده از منابع مراکز آرشیوی اسرائیل، ایالات متحده امریکا، کانادا، آلمان، انگلیس، فرانسه و... نشان دهد^۲ که برخلاف دیدگاه غالب که یهودیان دیاسپورا باید در میهن یهود مستقر شوند؛ بسیاری از یهودیان، اسرائیل را به عنوان یک موقعیت و ایستگاهی بین راهی برای رسیدن به سرزمین‌های مطلوب خود در نظر گرفته و می‌گیرند.

یهودایی در کتاب خود علاوه بر مقدمه و نتیجه‌گیری در قالب پنج فصل به بیان دیدگاه‌های خویش درباره مهاجرت معکوس یهودیان می‌پردازد. او در فصل اول کتاب درباره علل عدم

1. Saul and Sonia Schottenstein
2. Yehudai, *Ibid*, pp.33-34.



یکی از نکات حائز اهمیت کتاب ترک صهیون، اثر آوری یهودایی، آن است که نویسنده خود، یک یهودی است و بدون داشتن دیدگاه‌های محافظه کارانه، سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی را زیر سؤال برده و حتی در برخی از صفحات کتاب می‌کوشد سیاست‌های نژادپرستانه رژیم صهیونیستی را به شیوه مستدل، بیان کند

تمایل یهودیان مهاجر (یهودیان رومانیایی، مجار، بلغار، لهستانی و...) برای ماندن در سرزمین فلسطین اشاره دارد. در فصل دوم به موضوع علل مهاجرت یهودیان از اسرائیل به اروپا و مناطق دیگر که با عدم استقبال و حتی کارشکنی آژانس‌های امدادی یهود برای اسکان مجدد آنها مواجه می‌شده، پرداخته است. اوضاع نابسامان و حضور طولانی مدت مهاجران یهودی در اردوگاه‌های رژیم صهیونیستی و همچنین احداث اردوگاه‌های ترانزیتی نامناسب

که تحت عنوان مآباروت^۱ در حومه شهرها و روستاها برای نگهداری مهاجران در اسرائیل در نظر گرفته شده بود و همچنین محدودیت‌های ایجاد شده از سوی دولت اسرائیل برای مهاجران یهودی و عدم حمایت سازمان‌های یهودی از آنها در اروپا، از دیگر موضوعاتی است که در فصل دوم این کتاب، یهودایی مورد بررسی قرار داده.

فصل سوم پیرامون کشمکش‌ها و چالش‌های دیپلماتیک دولت صهیونیستی با برخی دول اروپایی است که به واسطه مهاجران یهودی در این کشورها ایجاد شده بود. اینکه مهاجرت مهاجران مذکور به موضوعی بین‌المللی بدل شد و پیامدهای آن بر روابط اسرائیل با سایر دول تأثیر گذاشت. از دیگر مباحث این فصل، وضع محدودیت‌های مهاجرتی از سوی کشورهای اروپایی و کانادا است که به آوارگی یهودیان مهاجر در اروپا منجر شد.

فصل چهارم کتاب به سیاست‌های ضد مهاجرتی رژیم صهیونیستی اشاره دارد. در این فصل یهودایی می‌کوشد به این موضوع پردازد که سیاست‌های ضد مهاجرتی اسرائیل، راهکارهایی در جهت رفع معضل بین‌المللی مهاجرت یهودیان اسرائیل به اروپا و سایر نقاط جهان بود، او در این فصل به این مهم اشاره دارد که این سیاست‌ها به ظاهر از مهاجرت یهودیان از اسرائیل جلوگیری کرد اما در باطن، خود فضای خفقان آوری در سرزمین‌های اشغالی به وجود آورد که یهودیان را بیشتر به سوی مهاجرت سوق داد.

فصل پنجم کتاب ترک صهیون، در خصوص آغاز فصل جدیدی در مهاجرت معکوس از اسرائیل است که از اواسط دهه ۱۹۵۰م آغاز شد و آن، گرایش یهودیان مهاجر برای مهاجرت به امریکا می‌باشد. او در این فصل به این نکته اشاره می‌کند که دیگر مقصد اصلی یهودیان مهاجر ایالات متحده امریکا است. علاوه بر آنچه گفته شد پرداختن به موضوع مشکلات

1. ma'abarot (جمع ma'abarah)

عدیده مهاجران یهودی در امریکا که به واسطه فشارهای صهیونیسم بیشتر می‌شد، از دیگر مباحثی است که یهودایی در این فصل بدان پرداخته است. جداول آماری از مهاجرت یهودیان اسرائیل به کشورهای مختلف و همچنین درج تصاویری از اردوگاه‌های مهاجران یهودی در اسرائیل، اروپا و... از دیگر مواردی است که یهودایی در کتاب ترک صهیون ارایه نموده است.

گذری بر محتوای کتاب

موضوع کتاب ترک صهیون از آنجا که به یکی از بخش‌های تاریخ اجتماعی قوم یهود یعنی به بحث مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین‌های اشغالی می‌پردازد، شایان توجه است، چرا که پرداختن به تاریخ اجتماعی رویکردی جدید در پژوهش‌های معاصر به حساب می‌آید. همانطور که پیش‌تر اشاره شد علاوه بر کتاب اوری یهودایی، نویسندگان دیگری به موضوع مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل پرداخته‌اند. یکی از آثار این نویسندگان که تا حدی در عنوان با کتاب یهودایی شباهت دارد، کتاب *ترک صهیون؛ دیاسپورا (پراکندگی) اسرائیلی‌ها در اروپا*^۱ اثر دیوید استاورو،^۲ روزنامه‌نگار اسرائیلی است. این کتاب که در سال ۲۰۱۹م، در قالب ۱۲۵ صفحه (به زبان عبری)، توسط انتشارات پاردس^۳ منتشر شده است، به این موضوع که اسرائیل در نگاه مهاجران یهودی نه به عنوان موطن دائمی بلکه به عنوان اقامتگاهی موقت جلوه‌گری می‌کرده، اشاره دارد. این کتاب در واقع تصویری گسترده از چالش‌های زندگی یهودیان مهاجر اسرائیلی در اروپا و هویت ترکیبی آنها را ارایه کرده و در این باره می‌نویسد:

والدین و اجداد مهاجران یهود پس از هولوکاست یا کمی قبل‌تر از آن، اروپا را ترک کردند تا در صهیون برای مردم یهود وطن جدیدی بسازند، اما اکنون فرزندان و نوه‌های آنها در حال بازگشت به اروپا هستند و خانه‌های جدید خود را در آنجا ساخته‌اند.^۴

همان‌گونه که گفته شد با وجود اشتراکاتی که حداقل در خصوص موضوع دو کتاب اوری یهودایی و دیوید استاورو وجود دارد، اما این کتاب‌ها تفاوت‌های محتوایی زیادی با یکدیگر دارند که در ادامه به کتاب ترک صهیون؛ مهاجرت یهودیان از فلسطین و اسرائیل بعد از

1. *Leaving Zion; The Israeli Diaspora in Europe*

2. David Stavrou

3. Pardes Publishing

4. <https://www.scribd.com/podcast/514686026/David-Stavrou-Zion-The-Israeli-Diaspora-in-Europe-Pardes-2019-An-interview-with-David-Stavrou>





جنگ جهانی دوم پرداخته می‌شود.

یهودایی در این اثر همان گونه که در مقدمه کتاب بدان اشاره دارد، موضوع مهاجرت معکوس یهودیان را از منظر چشم‌انداز (سیاست‌های اعمالی) دولت‌های وقت اسرائیل، سازمان‌های امدادی، جوامع یهودی و شرح حال مهاجران یهودی، تنش‌های سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک پیرامون مهاجرت یهودیان به خارج اسرائیل مورد بررسی قرار می‌دهد. او در این اثر به زعم خود، تلاش دارد با پوشش حوادث خاورمیانه، اروپا و امریکا، دیدگاه فراملی تازه‌ای را در باره دوره بحران تأسیس اسرائیل و بازسازی جهان یهودی پس از هولوکاست ارائه دهد. افزون بر آن، نویسنده در نگارش کتاب کوشیده از منابع آرشیوی سازمان‌های دولتی، آژانس‌های امدادی، تاریخ شفاهی مهاجران یهود، مقالات روزنامه‌های اسرائیلی و کتاب‌های مکمل پژوهش، بهره برد که این موضوع بر غنای اثر افزوده است. یکی از نکات حائز اهمیت دیگر این اثر آن است که نویسنده خود، یک یهودی است و بدون داشتن دیدگاه‌های محافظه کارانه، سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی را زیر سؤال برده و حتی در برخی از صفحات کتاب می‌کوشد سیاست‌های نژادپرستانه رژیم صهیونیستی را به شیوه مستدل، بیان کند. نویسنده حتی در نگارش اسامی مهاجرت و مهاجران یهود که مرتب در متن کتاب به کار برده، تلاش کرده از ذکر اصطلاحات عبری «یریداه»^۱ و «یوردیم»^۲ به واسطه بار ایدئولوژیک آنها اجتناب کند که این موضوع از جمله ویژگی‌های مثبت و علمی‌نگارانه اثر به حساب می‌آید. افزون بر آنچه گفته شد، چینش مطالب کتاب به واسطه آن که بر اساس ترتیب تاریخی - منطقی تنظیم یافته یکی دیگر از محاسن اثر به حساب می‌آید. در ادامه به برخی از موضوعات مهمی که اوری یهودایی در کتاب خود بدان پرداخته است، اشاره می‌شود.

- جنبش صهیونیسم و مهاجرت یهود به اسرائیل

یهودایی در صفحات آغازین کتاب خود به این موضوع اشاره می‌کند که اولین بار در سال ۱۹۵۲م خبرنگار یهودی روزنامه یودیعوت آحارونوت^۳ به نام الی ویزل^۴ به موضوع مهاجرت خانواده‌های یهودی از اسرائیل به فرانسه و چالش‌های پیش روی آنها پرداخته بود. او می‌گوید ویزل خواهان آن بود که حقیقت‌های پیرامون مشکلات مهاجرت از اسرائیل بیان

1. Yeridah (مهاجرت از اسرائیل)
2. Yordim (مهاجران از اسرائیل)
3. Yediot Aharonot
4. Eliezer Wiesel

جنبش صهیونیسم با این پرسش بنیادین در ابتدای امر مواجه بود، که چه چیزی می‌بایست در اولویت آنها باشد؛ «رستگاری و نجات مردم یهود» یا «رستگاری و نجات سرزمین یهود» که در آغاز قرن بیست میلادی، گرایش صهیونیسم به «نجات سرزمین» (اسرائیل) تعلق گرفت و بدین ترتیب مؤسسات صهیونیستی در فلسطین سیاست مهاجرت‌گزینی را اعمال کردند

شود، اما در آن سال‌ها این موضوع گرچه یکی از اصلی‌ترین مشکلات پیش روی دولت تازه‌تأسیس اسرائیل بود،^۱ اما چندان مورد توجه عموم واقع نشد، اما پس از چندی نگرانی‌های افرادی مانند ویزل، به تدریج گفتمان عمومی در مورد مهاجرت یهودیان از اسرائیل را شکل داد.^۲

یهودایی سپس درباره ایدئولوژی جنبش صهیونیسم و سیاست‌های آن به بحث می‌پردازد. او بیان می‌دارد که جنبش صهیونیستی که برای استقلال سیاسی یهودیان در اواخر قرن ۱۹م در

اروپا شکل گرفت، ایدئولوژی خود را بر اساس پیوند تاریخی میان قوم یهود و سرزمین اسرائیل پایه‌گذاری کرده بود. این ایدئولوژی پیش‌بینی می‌کرد که زندگی و فرهنگ یهودیان در دیاسپورا به واسطه فشارهای یهودستیزی، بی‌ثباتی اقتصادی و جذب یهودیان به جوامع پیرامونی خود، رو به زوال است و هیچ چشم‌انداز ادامه حیات برای آنها وجود نخواهد داشت. لذا یهودیان تنها با تجدید قوا در سرزمین مادری و اجدادی خود در فلسطین می‌توانند به بازآفرینی ملی برسند. بنابراین مهاجرت و اسکان یهودیان در میهن باستانی، اولین وسیله‌ای بود که با آن یهودیان صفات تبعیدی خود را فراموش کرده و به خودسازی جدیدی می‌رسیدند.

صهیونیست‌ها، بین یهودیان ساکن فلسطین و یهودیانی که ترجیح می‌دادند در کشورهای دیگر زندگی کنند، تمایز مفهومی قائل می‌شدند. از آنجا که استقرار یهودیان در فلسطین برای دستیابی به اهداف صهیونیستی و توسعه عمومی یشو^۳ (جامعه یهودی) ضروری بود، لذا مهاجرت به فلسطین جزء مهم‌ترین دغدغه‌های جنبش صهیونیست شد. بدین‌سان ترک دیاسپورا و استقرار در اسرائیل، «آلیا»^۴ که به زبان عبری به معنی حرکت از مکانی پایین به مکان بالاتر است^۵ نامیده شد.

یهودایی در ادامه بحث خود به این موضوع اشاره می‌کند که طی دوران تکامل صهیونیسم

1. Yehudai, *Ibid*, pp.1-2.
2. *Ibid* .
3. Yishu
4. Aliyah (مهاجرت به اسرائیل)
5. *Ibid*, pp.2-5.





ده‌ها هزار یهودی این کشور را نه به عنوان یک سرزمین دائمی یا مقصد نهایی بلکه به عنوان یک کشور برای جابه‌جایی یا یک ایستگاه بین‌راهی برای رسیدن به مناطق مطلوب‌تر می‌دیدند و آنها آینده خود را در جای دیگری تصور می‌کردند

در فلسطین و تولد اسرائیل که حاصل امواج پی‌درپی مهاجرت یهودیان به فلسطین یا آلیوت^۱ رخ نمود، الگوهای مهاجرت همیشه با شعارهای ایده‌آل مهاجرت سازگار نبود. او سپس چگونگی وقوع آلیای اول تا پنجم و مهاجرت‌های یهودیان به فلسطین را شرح داده و در خلال این مطالب، به موضوع افزایش تنش‌های یهودیان و اعراب در دهه ۱۹۳۰م، در فلسطین که در پی مهاجرت‌های آلیای پنجم رخ داده

بود و به انتشار سند سفید^۲ در ۱۹۳۹م - که به موضوع لزوم کاهش مهاجرت یهودیان دلالت داشت - اشاره می‌کند.^۳ یهودایی در ادامه این بحث متذکر می‌شود که در طول سال‌های جنگ جهانی دوم، حدود ۸۰۰۰۰ مهاجر یهودی، به صورت «قانونی» و «غیرقانونی»^۴ به فلسطین راه یافتند. به علاوه، با تأسیس دولت اسرائیل در ۱۹۴۸م و در بحبوحه اولین جنگ اعراب و اسرائیل، نبرد صهیونیست‌ها علیه محدودیت‌های مهاجرتی انگلیس پایان یافت و دروازه‌های فلسطین برای مهاجرت گسترده یهود باز شد و بدین‌سان تعداد زیادی از یهودیان اروپای شرقی (لهستان، رومانی، بلغارستان و...) از ۱۹۴۸م وارد سرزمین‌های اشغالی شدند.^۵ او در کتاب خود بر این باور است که گروه گسترده دیگری از یهودیان که پس از پیدایی اسرائیل وارد فلسطین شدند، یهودیان کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا بودند. این موج مهاجرتی که از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود به دنبال جنگ اعراب و اسرائیل، و تیرگی روابط مسلمانان و یهودیان بیشتر شد. او خروج یهودیان از سرزمین‌های عربی را اغلب نتیجه فشارهای سیاسی و اقتصادی بر می‌شمارد و بر این اعتقاد است که ملی‌گرایان عرب در خاورمیانه و شمال آفریقا، حتی پیش از ۱۹۴۸م، یهودیان را مأموران صهیونیست و خائن بالقوه معرفی می‌کردند و گاهی دست به کشتار آنها می‌زدند لذا در مجموع ۸۰۰۰۰۰ یهودی پس از تأسیس اسرائیل در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا آواره شدند که اسرائیل حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر از یهودیان را بین سال‌های ۱۹۴۸م تا ۱۹۶۰م جذب کرد.^۶

1. Aliyot
2. The 1939 White Paper
3. *Ibid*, pp. 5-7.
4. Aliyah Bet (مهاجرت غیرقانونی به فلسطین)
5. *Ibid*, p.7.
6. *Ibid*, p.9.

- مهاجرت گزینشی

یهودایی در ادامه کتاب ترک صهیون به موضوع سیاست‌های مهاجرتی یهودیان پیش و پس از تأسیس رژیم صهیونیستی اشاره دارد و بر این باور است که یهودیان مهاجر به یشو، از نظر عقیدتی صهیونیست‌هایی نبودند که خواهان احیای شخصیتی و ملی باشند، بلکه مهاجرانی اقتصادی بودند که از کشورهای خود اخراج شده و اسرائیل تنها مقصد موجود برای شان تلقی می‌شد. او در ادامه به این موضوع می‌پردازد که همان‌طور که انگیزه مهاجران در درجه اول، ایده آلیسم نبود، سیاست مهاجرت نیز از سوی صهیونیست‌ها در ادوار مختلف، تغییراتی را به خود دیده بود و به تعبیر او این سیاست‌ها هیچ‌گاه به درستی هدایت نمی‌شد. به عبارتی جنبش صهیونیسم با این پرسش بنیادین در ابتدای امر مواجه بود، که چه چیزی می‌بایست در اولویت آنها باشد؛ «رستگاری و نجات مردم یهود» یا «رستگاری و نجات سرزمین یهود» که در آغاز قرن بیست میلادی، گرایش صهیونیسم به «نجات سرزمین» (اسرائیل) تعلق گرفت و بدین ترتیب مؤسسات صهیونیستی در فلسطین سیاست مهاجرت گزینشی را اعمال کردند. در این دوره صهیونیست‌ها جوانان توانا، صاحب سرمایه و ماهر را ارجحیت داده تا آنان در تأسیس و بالندگی اسرائیل کمک‌رسان باشند. این موضوع ادامه داشت تا اینکه رهبری صهیونیست‌ها طی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م دست از مهاجرت انتخابی برداشتند، چراکه درگیری یهودیان با اعراب در دهه ۱۹۳۰م و نیز پیشرفت‌های اقتصادی صهیونیسم، افزایش جمعیت یهودیان یسورا می‌طلبید و از طرفی نجات یهودیان از آزار نازی‌ها، نیز ارجحیت یافت، بنابراین دیگر اولویت (ظاهراً) «نجات مردم»^۱ بود.^۲

- جنگ جهانی دوم و گرایش جهانی به صهیونیسم

یهودایی همچنین در باره چگونگی اجماع گروه‌های مختلف یهودی (یهودیان صهیونیست، یهودیان سوسیالیست، یهودیان ارتدوکس و...) درباره توافق کلی بر سر تأسیس دولت یهودی در فلسطین به عنوان تنها راه محافظت از یهودیان، بعد از کشتار یهود در آلمان توسط نازی‌ها،^۳ صحبت کرده است. اینکه حتی یهودیان ساکن در امریکا که به اسرائیل مهاجرت نکردند، به نفع این راه حل صهیونیستی، به این اجماع پیوستند. به زعم وی حمایت از صهیونیسم به ویژه پس

۱. باید توجه داشت که هولوکاست مهم‌ترین توجیه صهیونیست‌ها برای القای مفهوم یهودستیزی به دیگران و توجیه تشکیل دولت یهودی در ارض موعود است. در حالی که ظرف نزدیک به ۲۰۰۰ سال قبل اصلاً برای آمدن به منطقه و ارض موعود ادعایی، اقدام نکردند. با کشف نفت و موقعیت جدید منطقه، حضور صهیونیست‌ها به بهانه بازگشت و همچنین برای در امان ماندن از یهودستیزی با وجود مصادیقی همچون هولوکاست، ضروری نشان داده شد و داستان هولوکاست هم به این دلیل ساخته و تبلیغ گردید.

2. Ibid, pp.10-11.

۳. ظاهراً نویسنده کتاب، به اسطوره موهوم هولوکاست اعتقاد دارد.





در اواخر سال ۱۹۵۳م، دولت اسرائیل تصمیم گرفت با هدف کاهش تعداد مهاجران و برقراری نظم در روند خروج از اسرائیل، محدودیت‌هایی را در قوانین مهاجرت وضع کند

از نابودی دو سوم جمعیت یهودی اروپا! توسط نازی‌ها، بسیار شدت یافته بود. بسیاری از یهودیان امریکایی که خویشان خود را در جنگ از دست داده بودند، موجودیت اسرائیل را غرامتی برای هولوکاست می‌دانستند. از این رو، یهودیان امریکایی نه تنها در سیاست داخلی، طرفدار صهیونیسم بودند، بلکه برای اسکان مجدد و توان بخشی به پناهندگان یهود در اسرائیل، پشتیبانی مالی خود را اعلام کردند. آنها در جهت تحقق این هدف، نهادها و سازمان‌های امدادی و بشردوستانه برای کمک به انتقال و استقرار یهودیان را در اسرائیل تأسیس کردند. انگیزه این حمایت تعهد ایدئولوژیک به صهیونیسم نبود، بلکه به رسمیت شناختن رنج‌های یهودیان! بود. حتی در ۱۹۴۵م، دولت امریکا خواستار مهاجرت ۱۰۰۰۰۰ نفر از یهودیان به فلسطین شد. از طرفی سازمان ملل نیز از مهاجرت یهودیان به فلسطین پس از ایجاد اسرائیل حمایت کرد و سازمان بین‌المللی پناهندگان (IRO) در ۱۹۴۶م برای تسهیل اسکان مجدد آوارگان پس از جنگ جهانی دوم، در سازمان ملل تأسیس شد و حمایت‌های مالی خود را برای انتقال یهودیان از اروپا به اسرائیل اعلام داشت. به تعبیری پس از جنگ جهانی دوم، بخش‌های مهمی از جهان غیر یهودی نیز «صهیونیست» شدند و این نظر را تأیید کردند که مشکل بی‌خانمانی و آوارگی یهودیان باید از طریق مهاجرت به سرزمین یهود حل شود.^۱

- نگرش دیوید بن گوریون^۲ به مهاجرت یهود

یهودایی سپس درباره عدم آمادگی اقتصادی اسرائیل در دهه ۱۹۵۰م برای تأمین مسکن، اشتغال و ارائه خدمات اجتماعی مناسب به یهودیان مهاجر مطالبی را بیان کرده است. او می‌گوید ناتوانی اسرائیل در حدی بود که مقامات اسرائیلی پیشنهاد کردند که مجدداً به مهاجرت انتخابی متوسل شوند. اما مخالف سرسخت مقررات جدید مهاجرت، دیوید بن گوریون، نخست‌وزیر اسرائیل بود. لذا وی در ۱۹۴۹م، به این موضوع تأکید کرد که اسرائیل حق اخلاقی ندارد که ابعاد آلیا را متناسب با نیاز اقتصادی تنظیم کند. او معتقد بود که مهاجرت هدفی بود که دولت اسرائیل برای آن تأسیس شده و تنها چیزی است که وجود دولت اسرائیل را تضمین می‌کند و این امر در برابر حملات اعراب اهمیت ویژه‌ای می‌یافت؛ چراکه از نظر او مهاجرت ابزاری اساسی برای نجات یهودیان دیاسپورا و آبادانی دولت جوان اسرائیل به حساب می‌آمد.^۳

1. *Ibid*, pp.11-14.

2. David Ben-Gurion

3. *Ibid*, p.14.

- مهاجرت معکوس؛ تهدیدی برای صهیونیسم

یهودایی در کتاب خود به این موضوع اشاره دارد که در بین سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۴۵م حدود ۱۹۲۰۰۰ یهودی، فلسطین و اسرائیل را ترک کردند که در این میان بین سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۴۸م مقصد بیش از ۳۰درصد مهاجران یهود، ایالات متحده امریکا بوده است. اما چرا در مقابل این اقدامات رژیم صهیونیستی، مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل به اروپا و امریکا رخ داد؟ این سؤال است که یهودایی در کتاب خود به دنبال پاسخ به آن است. او می‌نویسد بزرگترین گروه در میان مهاجران، «مهاجران جدید» بودند، یعنی یهودیانی که پس از ۱۹۴۸م، به اسرائیل آمده بودند. این موضوع به دغدغهای بزرگ برای اسرائیل مبدل شد، چراکه یهودیانی که از اسرائیل خارج می‌شدند، از نظر توانایی جسمی و شغلی، عناصر قوی به شمار می‌رفتند اما از نظر شعور صهیونیستی و ملی‌گرایی به زعم آنها ضعیف بودند. یکی از نکات نگران‌کننده این مهاجرت آن بود که بخشی از این مهاجران، اسرائیلی‌های بومی^۱ بودند، چراکه مشکل سازگاری با اسرائیل را نداشتند و در این سرزمین ریشه داشتند، از این رو خروج‌شان برای صهیونیست‌ها ناامیدکننده‌تر می‌نمود.^۲ یهودایی سپس با بررسی نظرات مورخان یشو و اسرائیل، دلایل این مهاجرت معکوس را بیان کرده و مورد بررسی قرار می‌دهد. او بیان می‌دارد که اگرچه دیدگاه غالب در جهان یهود و غیریهود، این بود که یهودیان دیاسپورا باید در سرزمین اسرائیل مستقر شوند، اما در واقع ده‌ها هزار یهودی این کشور را نه به عنوان یک سرزمین دائمی یا مقصد نهایی بلکه به عنوان یک کشور برای جابه‌جایی یا یک ایستگاه بین‌راهی برای رسیدن به مناطق مطلوب‌تر می‌دیدند و آنها آینده خود را در جای دیگری تصور می‌کردند. او بر این باور است به واسطه این حرکت مهاجران، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران یهودی، مهاجرت را با استفاده از عباراتی چون فاجعه، بیماری اجتماعی، روان‌پریشی جمعی و تهدیدی برای موفقیت صهیونیسم، در جامعه معرفی کردند. آنها عزیمت ده‌ها هزار یهودی از اسرائیل را یک بیماری ملی لقب دادند و در حالی که مهاجرت به سرزمین اسرائیل را آلیا و مهاجران را اولیم^۳ (جمع اوله^۴ به معنای کسانی که بالا می‌روند) می‌نامیدند، حرکت در جهت مخالف (مهاجرت معکوس) را یریداه (پایین آمدن) نامیدند. بر این اساس این مهاجران، یوردیم (کسانی که پایین می‌آیند) نامیده می‌شوند.

۱. در حالی که تعداد یهودیان بومی فلسطین تا قبل از مهاجرت رسمی به قصد تأسیس دولت یهودی، به ۲۰۰۰ نفر هم نمی‌رسید.

2. *Ibid*, pp.16-20.

3. Olim

4. Oleh





اصطلاحی که بار معنایی واضحی دارد. این گونه خروج آنها از اسرائیل به ضعف ایدئولوژیک، خودخواهی و بی‌مسئولیتی سیاسی و اجتماعی آنها مربوط می‌شد.^۱

– موانع و مشکلات مهاجرت معکوس برای یهودیان

یهودایی بیان می‌دارد که مهاجرت از اسرائیل برای مهاجران عواقبی را در پی داشت. آنها علاوه بر اینکه در اسرائیل مورد توبیخ و تحقیر واقع می‌شدند، با موانع مختلف مهاجرتی در کشورهای مقصد روبه‌رو می‌گشتند. این مهاجران با مشکلات اقتصادی و حقوقی زیادی مواجه بودند و این امر باعث می‌شد که آنها مجبور شوند تا به زندگی بی‌خانمان خود ادامه دهند. آنها از آنجا که قادر به تأمین هزینه‌های سفر خود نبودند، از سازمان‌های امدادی محلی یهودیان، تقاضای کمک می‌کردند. در این حالت بین دو ارزش اصلی در فرهنگ یهود تعارض ایجاد می‌شد؛ از یک طرف حمایت صهیونیسم و اسرائیل که از ۱۹۴۵م به یک موضع اجتماعی در جهان یهود بدل شده بود و دیگری ایده سنتی همبستگی بین‌المللی یهود و اینکه همه یهودیان مسئول یکدیگرند. از آنجا که کمک‌های بشر دوستانه به مهاجران یهودی با اصل همبستگی یهودیان سازگار بود اما با هدف صهیونیست‌ها ناسازگار به نظر می‌رسید، مهاجرت از اسرائیل به موضوعی تفرقه‌انگیز در جهان یهود بدل شد و جوامع دیاسپورای یهودی را دچار معضلات اخلاقی و عقیدتی کرد. بدین ترتیب نهاد‌های امدادی یهودی اصرار داشتند که کسانی که قبلاً در اسرائیل ساکن شده‌اند، نباید از حمایت امدادی یا فرصت دوم برای اسکان در کشوری دیگر برخوردار شوند. این سیاست‌ها پیامدهای نامطلوبی را به ویژه برای مهاجرانی که در اروپا سرگردان بودند، به دنبال داشت، چرا که آنها دست به اعتراض می‌زدند و اوضاع را وخیم‌تر کردند. وخامت اوضاع در حدی بود که در آلمان، گروه‌هایی از مهاجران با امید اخذ پناهندگی، به صورت غیرقانونی به اردوگاه‌ها نفوذ کردند و این امر واکنش شدید مقامات آلمانی را نسبت به این رویه در پی داشت.^۲

یهودایی در کتاب ترک صهیون به این موضوع می‌پردازد که مهاجرت از اسرائیل، حرکتی علیه یک جریان بود، چرا که خواسته‌های مهاجران با نگرش‌ها و سیاست‌های رایج صهیونیسم در تضاد بود. مهاجران یهودی در برابر مشکلات پس از جنگ، موضع منفعلانه نداشتند و برای بهبود اوضاع خود اقدام می‌کردند. اقدامات آنها نه تنها با سیاست‌های دولت اسرائیل بلکه با هنجارهای اساسی جهان یهود، سیاست‌های مهاجرتی کشورهای غربی و اولویت‌های

1. *Ibid*, pp.21-25.

2. *Ibid*, pp.27-29.

سیاست‌های جدید اتخاذ شده از سوی رژیم صهیونیستی، هم در عالم سیاست و هم در میان عموم مردم با واکنش‌هایی مواجه شد که علناً اقدامات ضد مهاجرت را غیردموکراتیک و حتی در مرز توالتیاریانیم برمی‌شمردند

سازمان‌های امدادی یهود مغایرت داشت.^۱ او بر این باور است که مهاجران مذکور، از برخی از اصول رژیم صهیونیستی سرپیچی کردند و با این کار نظم به ظاهر ایجاد شده توسط حکومت صهیونیستی را بر هم زدند.

یهودایی سپس در کتاب خود به آسیب‌شناسی علل مهاجرت معکوس یهودیان اشاره کرده و برای

بیان آن دلایلی را عنوان می‌کند. او بر این نظر است که صهیونیسم بایستی پاسخی برای یهودیان دیاسپورا می‌بود. دوم اینکه اسرائیل باید یک کشور مهاجرپذیر و نه یک کشور مهاجر یهودی می‌بود؛ از این رو مهاجران از اسرائیل، موقعیت بفرنجی داشتند، چرا که نه تنها در اسرائیل بلکه در نقاط دیگر دنیا به عنوان گروه پاریا^۲ (بی‌طبقه) به حساب می‌آمدند. او در ادامه بر این موضوع تأکید دارد که مهاجران یهودی به رغم تمامی این موانع با پافشاری و اقدامات جمعی توانستند توجه عموم را به خود جلب کرده و حتی در مواردی سیستم‌های امدادی یهود را تحت تأثیر قرار دهند تا اسکان مجدد آنها را در خارج اسرائیل تسهیل کنند.^۳

– اتخاذ سیاست‌های محدودیت مهاجرتی از سوی رژیم صهیونیستی

یهودایی بیان می‌دارد که مجموعه مشکلاتی که مهاجرت یهودیان در خارج اسرائیل ایجاد کرده بود، اسرائیل را مجبور به پاسخ‌گویی کرد. بدین‌سان در اواخر سال ۱۹۵۳ م، دولت اسرائیل تصمیم گرفت با هدف کاهش تعداد مهاجران و برقراری نظم در روند خروج از اسرائیل، محدودیت‌هایی را در قوانین مهاجرت وضع کند. در ۱۹۴۸ م، قدرت مسلط در اسرائیل، حزب کارگر صهیونیستی یا ماپای^۴ (حزب کارگران سرزمین اسرائیل)^۵ بود. رهبران ماپای برای ایجاد یک سیستم سیاسی – اقتصادی متمرکز، مداخله قابل توجهی در زندگی خصوصی شهروندان داشتند و حتی در مورد برخی آزادی‌های آنها محدودیت ایجاد می‌کردند. بنابراین تعجب آور نبود که رهبران ماپای به طور کلی از محدودیت‌های مهاجرت حمایت کرده باشند.^۶

1. *Ibid*, p.29.
2. Pariah
3. *Ibid*, p.30.
4. Mapai
5. Land of Israel Workers' Party
6. *Ibid*, pp.30-31.





در نوامبر ۱۹۵۴م گروه دیگری از یهودیان هندی ساکن بئرالسبع و شهرک شمالی کریات شموئه، خواستار بازگشت به هند شدند. آنها شکایت داشتند که سخت‌تر از چهارپایان و بردگان کار می‌کنند و بیان داشتند که در هند افراد قابل احترامی بودند، اما مهاجرت به اسرائیل آنها را به گدایان تحقیر شده و ناامید مبدل کرده است و دلیل آن را سیاه‌پوست بودن‌شان می‌دانستند

بن گوریون، رهبر مابای، از مهاجران جدید با عنوان «خاک انسانی»^۱ یاد کرد که بایستی از طریق ارزش‌های ملی، آموزش‌دیده و به یک ملت مستقل و فرهیخته تبدیل شوند. بنابراین مباحث پیرامونی سیاست ضد‌مهاجرتی از اسرائیل نشان می‌دهد که برخی تصمیم‌سازان اسرائیلی در واقع محدودیت‌های مهاجرت را نه تنها اقداماتی فنی برای جلوگیری از عزیمت از اسرائیل می‌دیدند، بلکه آن را به عنوان وسیله‌ای برای تربیت مردم یهود و تبدیل افراد بی‌ریشه به شهروندان مسئول و دلبسته

به کشور جدیدشان می‌دانستند. با وجود این، سیاست‌های جدید اتخاذ‌شده از سوی رژیم صهیونیستی، هم در عالم سیاست و هم در میان عموم مردم با واکنش‌هایی مواجه شد که علناً اقدامات ضد مهاجرت را غیردموکراتیک و حتی در مرز توتالیترانیسم^۲ برمی‌شمردند و آن را محکوم می‌کردند. منتقدان، سیاست ضد‌مهاجرت را بخشی از سیستم متمرکز و نفوذی مابای می‌دانند که آزادی شهروندان را نقض می‌کند و به گفته برخی مفسران یهود، «جو مبهم، خفقان‌آور و مسموم» در کشور ایجاد می‌کند.^۳

- نژادپرستی رژیم صهیونیستی

اوری یهودایی در بخش پایانی (نتیجه) کتاب خود مباحث جالبی را پیرامون نژادپرستی رژیم صهیونیستی مطرح کرده است. یهودایی بیان داشته است که در نوامبر ۱۹۵۱م، گروهی متشکل از ۱۵۰ یهودی هندی، در یکی از خیابان‌های اصلی تل‌آویو اعتصاب و تحصن کردند و در حالی که به مدت دو سال در اسرائیل بودند، خواستار بازگشت به هند شدند. آنها اعلام کردند که پس از تجربه بسیار سخت و تلخ به این نتیجه رسیدند که مکان مناسب برای آنها هند است. در حالی که آژانس یهود به آنها قول داده بود که آنها را به شهرک‌های مذهبی در اسرائیل بفرستد آنها به کیبوتص‌های سکولار فرستاده شدند و نگاه مردم کیبوتص به آنها بسیار غیردوستانه و تحقیرآمیز بود. از این رو آنها از شغل نامناسب، شرایط آب و هوایی، مشکلات اقتصادی و برخورد مقامات اسرائیلی شکایت داشتند. در حالی که در بمبئی به آنها

1. "Human Dust"

2. Totalitarianism

3. *Ibid*, pp.31-32.

گفته شده بود که در اسرائیل نژادپرستی حاکم نیست و با تمامی یهودیان به طور مساوی برخورد می‌شود، اما در فروشگاهی در بئر السبع^۱ به آنها گفته شد که تنها حق خرید نان سیاه را دارند و نان سفید مخصوص یهودیان سفیدپوست است. مقامات آژانس یهود قصد نداشتند در مقابل خواسته آنها تسلیم شوند چرا که ممکن بود این خواسته‌ها در آینده نزدیک، از سوی مراکشی‌ها، رومانیایی‌ها و... مطالبه شود، هر چند که در نهایت تسلیم شدند و در آوریل ۱۹۵۲م، آنها را به هند بازگرداندند.^۲ همچنین در نوامبر ۱۹۵۴م گروه دیگری از یهودیان هندی ساکن بئر السبع و شهرک شمالی کریات شمونه،^۳ خواستار بازگشت به هند شدند. آنها شکایت داشتند که سخت‌تر از چهارپایان و بردگان کار می‌کنند و بیان داشتند که در هند افراد قابل احترامی بودند، اما مهاجرت به اسرائیل آنها را به گدایان تحقیر شده و ناامید مبدل کرده است و دلیل آن را سیاه‌پوست بودنشان می‌دانستند. آنها آژانس یهود را تهدید کردند که اگر خواسته آنها را مبنی بر بازگشت به هند بر آورده نکنند، اعتصاب غذا کرده و از مرزهای اسرائیل به کشورهای عربی می‌روند و هیچ ترسی از کشته شدن ندارند. به رغم این شرایط، رسانه‌های وابسته به دولت اسرائیل این طور وانمود کردند که حساسیت بیش از حد کاست^۴ های هندی باعث شده که آنها مشکلات عادی مهاجرت را به موضوع تبعیض نژادی نسبت دهند. از این رو رژیم صهیونیستی سعی در انکار رفتارهای نژادپرستانه خود داشت.^۵

اوری یهودایی همچنین اطلاعاتی را درباره یک فیلسوف یهودی آلمانی تبار به نام هانس جوناس^۶ ارائه می‌دهد. یهودایی، هانس جوناس را یک یهودی سرسپرده صهیونیسم معرفی می‌کند، فردی که حتی در جهت کمک به اعتلای اسرائیل در هاگانا^۷ خدمت کرد. جوناس در سن ۴۹ سالگی، با دریافت موقعیت استادیاری در یکی از دانشگاه‌های اتاوا در کانادا و نیز برای ایجاد آرامش در زندگی خود و خانواده‌اش، اسرائیل را ترک کرد. جوناس بیان داشت که اجبار صحبت به زبان عبری برای او عذاب آور بوده و در کانادا آزادی زبانی دارد و از

۱. بئر السبع (Beersheba) منطقه‌ای مسکونی در بیابانی‌ترین نقطه فلسطین اشغالی می‌باشد.

2. *Ibid*, pp.218-219.

3. Kiryat Shmona

4. Caste

5. *Ibid*, pp.219-221.

6. Hans Jonas

۷. هاگانا (Haganah) یک سازمان شبه نظامی و تروریستی یهودی و وفادار به ایدئولوژی صهیونیسم بود که سال ۱۹۲۰م در فلسطین تحت قیومیت انگلستان به جای سازمان هاشومیر تشکیل شد. این سازمان به تدریج به شاخه نظامی غیررسمی آژانس یهود تبدیل شد و علیه اعراب فلسطینی و حکومت قیم بریتانیا مبارزه می‌کرد. با اعلام استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸م و برپایی نیروهای دفاعی اسرائیل، هر سه جنبش زیرزمینی هاگانا، اتزل، ایرگون و لچی منحل شدند و در (IDF) یا نیروی دفاعی یا همان ارتش اسرائیل ادغام شدند.





جوناس در سن ۴۹ سالگی، با دریافت موقعیت استادیاری در یکی از دانشگاه‌های اتاوا در کانادا و نیز برای ایجاد آرامش در زندگی خود و خانواده‌اش، اسرائیل را ترک کرد. جوناس بیان داشت که اجبار صحبت به زبان عبری برای او عذاب‌آور بوده و در کانادا آزادی زبانی دارد و از طرفی آسیب‌های احتمالی ناشی از جنگ‌های اسرائیل، او و خانواده‌اش را آزار می‌داد.

طرفی آسیب‌های احتمالی ناشی از جنگ‌های اسرائیل، او و خانواده‌اش را آزار می‌داد. این اقدام جوناس با واکنش و خشم جامعه یهودی اورشلیم مواجه شد.^۱ یهودایی با بیان این موارد به این نتیجه می‌رسد که اغلب مهاجران یهودی اسرائیل، در اغلب موارد به هم شباهت دارند. مهاجران مذکور پس از گذراندن دوره‌های مختلف در اسرائیل دریافتند که پروژه صهیونیسم در برآوردن انتظارات و نیازهای آنان ناتوان است و به همین خاطر مهاجران یهود، اسرائیل را ترک کردند. یکی از دلایل مهاجرت مهاجران، تبعیض‌های اعمال‌شده نسبت به گروه‌های مختلف یهودی در اسرائیل بود که عموماً از سوی دولت اسرائیل انجام می‌شد. مهاجران، به رغم ایدئولوژی صهیونیسم، فلسطین را تنها یک پناهگاه موقت می‌دانستند و آرزو داشتند زندگی جدید خود را در اروپا یا آمریکا آغاز کنند.^۲

ارزیابی نهایی

با بررسی اجمالی کتاب ترک صهیون، می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری نویسنده این کتاب در واقع ترسیم تصویری تک‌بعدی از مشکلات مبتلا به مهاجران یهودی در سرزمین‌های اشغالی پس از تأسیس رژیم صهیونیستی است. او در پیش‌فرض‌های خود بدون هیچ تردیدی فلسطین را موطن یهودیان مهاجر برشمرده و تلاش دارد تا با نگاهی آسیب‌شناسانه به موضوع مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی و همچنین چرایی عزم مجدد آنها برای مهاجرت معکوس و خروج آنان از فلسطین و زیست آنان در کشورهای اروپایی و امریکایی بپردازد. او در بخش‌های مختلف این اثر کوشیده بدون آن که اشاره‌ای به اشغالگری صهیونیست‌ها در غصب سرزمین‌های اشغالی داشته باشد، عدم تعلق خاطر یهودیان به سرزمین‌های اشغالی را ناشی از تنگناهای اقتصادی یا برخی رویکردهای اشتباه‌تنی چند از سیاستمداران صهیونیست و سیاست‌گذاری‌های غلط در رژیم صهیونیستی در مورد مهاجران یهودی قلمداد کند و در بیان چرایی مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین‌های

1. *Ibid*, pp.221-224.

2. *Ibid*, p.229.

اشغالی سیاست‌های اعمالی رژیم صهیونیستی را عامل اصلی این موضوع معرفی نماید.

یهودایی همچنین در کتاب خود به صورت کاملاً یک‌سویه به علل عدم تعلق خاطر یهودیان به سرزمین‌های اشغالی اشاره کرده و این موضوع را در راستای پیش‌فرض‌های ناقص خود تحلیل می‌کند تا از این رو موضوعاتی چون نژادپرستی رژیم صهیونیستی، تأکید و اجبار بر استفاده از زبان عبری و عدم فراهم کردن

مهاجران پس از گذراندن دوره‌های مختلف در اسرائیل دریافتند که پروژه صهیونیسم در برآوردن انتظارات و نیازهای آنان ناتوان است و به همین خاطر مهاجران یهود، اسرائیل را ترک کردند. یکی از دلایل مهاجرت مهاجران، تبعیض‌های اعمال‌شده نسبت به گروه‌های مختلف یهودی در اسرائیل بود که عموماً از سوی دولت اسرائیل انجام می‌شد

شرایط ایده‌آل رفاهی، اقتصادی، اجتماعی و... عوامل اصلی این موضوع قلمداد شوند، در حالی که یکی از موضوعات اصلی مهاجرت معکوس یهودیان ساکن در سرزمین‌های اشغالی، غضب سرزمین فلسطین توسط یهودیان و وجود آوارگان و معترضان مسلمان در این سرزمین‌هاست که کاملاً از سوی نویسندگان نادیده انگاشته شده و مسکوت مانده است. این در حالی است که نگرانی‌هایی که از بابت غضب سرزمین فلسطین در بین مهاجران یهودی وجود داشته و همچنین ترس و اضطرابی که آنها از آینده مبهم و مواجهه و تقابل هر روزه‌شان با فلسطینیان، به عنوان مالکان اصلی این سرزمین داشته و دارند، در زمره موضوعاتی قرار می‌گیرند که می‌تواند از جمله عوامل اصلی ترغیب مهاجران یهودی برای مهاجرت معکوس به کشورهای اروپایی و امریکایی قلمداد شود. این موضوع در واقع نکته بسیار حائز اهمیتی است که به رغم نادیده‌انگاری عامدانه یهودایی بدان، زمینه‌ساز اختلالات روانی در جامعه یهودی و مصمم ساختن آنها به خروج از اسرائیل در طول چند دهه اخیر شده است. البته شایان ذکر است که این نوع نگاه یهودایی به علل مهاجرت معکوس منحصر به وی نبوده و ناگفته پیداست که بسیاری از نویسندگان یهودی مخالف سیاست‌های رژیم صهیونیستی همواره، مدافع حضور یهودیان در سرزمین‌های اشغالی هستند و انتقادهای آنها، تنها در جهت ایجاد شرایط ایده‌آل‌تر برای یهودیان مهاجر به فلسطین صورت می‌گیرد. در واقع به تعبیر دیگر می‌توان گفت آنان با این رویکرد به دنبال آن هستند که این موضوع و حضور و استقرار یهودیان جهان در اسرائیل را حقی طبیعی و قانونی برای آنان جلوه دهند. از این رو یهودایی و دیگر نویسندگانی از این دست در بیان علل مهاجرت معکوس یهودیان، به موضوعاتی که این پیش‌فرض آنان را مخدوش نماید، هیچ‌گاه نمی‌پردازند. نکته نهایی آن که، با بررسی مباحث کتاب می‌توان دریافت که رژیم صهیونیستی به واسطه داشتن دیدگاه‌های



غیر انسانی و نژادپرستانه، حتی میان یهودیان همواره تفاوت قائل شده و با ایجاد جامعه‌ای طبقاتی عوامل نارضایی را در درون این جامعه، رشد می‌دهد. در واقع رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس، تنها به دنبال تحقق هدف عالی خود، یعنی استقرار تمامی یهودیان جهان در فلسطین بوده و هست و این کار را به هر بهایی و با هر فریبی انجام می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رژیمی که بر مردم یهودی و سرسپرده خود ظلم کرده و حقوق بدیهی آنها را زیر پا می‌گذارد، چگونه می‌تواند نسبت به مسلمانان، به عنوان ساکنان اصلی فلسطین نگاهی انسانی داشته باشد.

